

# «شمال از جنوب غربی» سراسیمه‌ی خوش‌فرم «چشم‌بادومی» قدم متزلزل امینی در گام اول کارگردانی



نیز تأثیر گذار است و او توانسته است در کنار روایت داستانی، عناصر مستندگونه‌ای را به تصویر بکشد که به بازسازی دقیق و باورپذیر آن دوران کمک می‌کند. «شمال از جنوب غربی» تلاش می‌کند تا جنبه‌هایی تازه و کمتر دیده شده از واقعیت‌های جنگ را به نمایش بگذارد و نشان دهد که دفاع هشت‌ساله‌ی ایران تنها محدود به میدان‌های نبرد نبود، بلکه در خیابان‌ها، جاده‌ها و شهرهایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند نیز جریان داشت. این فیلم به فعالیت‌های نفوذی و خرابکارانه‌ی دشمن در داخل کشور در طول جنگ می‌پردازد و به ما یادآوری می‌کند که دشمن تنها در جنوب و غرب حضور نداشت، بلکه ردپای آن را می‌توان در شهرها و میان مردم عادی نیز یافت.

نگاه زرگزرد به مقله‌ی جنگ، نگاهی نو و متفاوت است. اگر در سال‌های جنگ و پس از آن، بسیاری از کارگردانان دوربین‌های خود را مستقیماً به سوی میدان‌های نبرد می‌گرفتند تا رشادتهای رزمندگان را ثبت کنند، در سال‌های اخیر شاهد هستیم که کارگردانانی مانند زرگزرد به ایجاد دیگری از این رویداد عظیم پرداخته‌اند. آن‌ها به زندگی بازماندگان جنگ، سربازان پس از پایان جنگ و همچنین عملیات‌های جاسوسی، خرابکاری و جنگ اطلاعاتی توجه نشان داده‌اند. زرگزرد در این فیلم سوزه‌ای را به تصویر کشیده که پیش از این در سینمای ایران نمونه‌ای مشابه آن دیده نشده است.

اگر بخواهیم در کنار نگاهی گذرا به فرم و محتوا، بازیگران را هم آنالیز کنیم باید اضافه کرد که ترکیب بازیگران شمال از جنوب غربی آشنایی است که مخاطب آن را دوست دارد و آن را در نظر گرفته، انتخاب بازیگرهای حرفه‌ای حتی برای نقوش فرعی است به نحوی که حتی هومن حاج عبداللهی که تا بحال از چنین نقشی حضور نداشته، عملکرد خوبی در میان بازیگرهای دیگر همچون مصطفی زمانی و امیر آقایی از خود نشان میدهد. زمانی که در آثار تاریخی زیادی

کارگردان آن سبقه درخشان در نویسندگی داشت! ابراهیم امینی که تا قبل از ساخت این اثر نویسندگی آثارى همچون لاتاری، درخت گردو، رد خون، دسته دختران ، مرد بازنده ، موقعیت مهدی را برعهده داشت این بار در قامت کارگردان به جشنواره چهل و سوم پا گذاشته و فیلم خودش یعنی چشم‌بادومی با بازی ساره بیات و مهدی‌هاشمی را به بخش مسابقه این دوره ارسال کرده است.

چشم‌بادومی در نگاه اول و در کلیت کار، داستان و روایت مواجهه با نسل زد است. نسلی که به سختی از والدین خود حرف شنوی دارند، دنبال علایق خود می‌روند حتی به اشتباه و به شدت در تصمیمات خود ثابت قدم هستند تا جایی که تصمیم خود را بر دیگر تصمیمات ارجح می‌دانند و ادعا دارند کسی که مخالف آن تصمیم با آنها سخن بگوید و قصد داشته باشد که آنها را از مسیر بازدارد، قطعاً در اشتباه است حتی اگر مادر یا پدر او باشند!

ابراهیم امینی روی سوزه خوبی دست گذاشته، داستان علاقه دختری نوجوان به موسیقی «کی پی‌اپ» و خواننده این گروه که عشق بی حد و حصر او بیشتر شبیه به جنون است، اما باید در نظر داشته باشیم که همیشه سوزه خوب به یک اثر کامل و دوست‌داشتنی تبدیل نمی‌شود چه بسا سوزه‌های بگری که با یک پرداخت ضعیف و دور از انتظار نه تنها حیف شد بلکه برای دیگران نیز غیرقابل دسترسی و ساخت تلقی شد. چشم‌بادومی در روایت به شدت سطحی نگر و ابتدایی است. از آنجا که تهیه‌کنندگی این اثر را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بر عهده داشته شاید این برداشت به وجود آمده که قرار است مخاطبان این اثر نیز از همین قشر باشند!

امینی با توجه به اینکه فیلم نامه‌های خوب و ماندگاری را به رشته تحریر درآورده انتظار می‌رفت که بتواند با یک پرداخت مناسب و قابل درک، ریشه ای تر به این موضوع نگاه کند و انقدر زو پازی نکند که مخاطب به راحتی فیلم را پس بزند. فیلم امینی از هیچ پیچیدگی خاصی برخوردار نیست و روایت آن به شدت بیگانه است هرچند که سوزه‌ای که انتخاب کرده بسیار مناسب و اقتضای روز است ولی با پرداختی ضعیف و دور از انتظار، چشم‌بادومی را از چشم انداخته است.

چشم‌بادومی نه تنها از لحاظ محتوایی ایرادهای فراوانی دارد بلکه از لحاظ فرمی نیز پر از مشکل و باگ به مخاطبان ارائه شده است. بازی‌ها به دل نمی‌نشیند، نقش اول فیلم با توجه به سن کمی که دارد سعی می‌کند که برای نزدیک شدن به نقش تلاش کند ولی مناسبانه در اکثر پلان‌ها آزرچه اکت دارد و همین مساله چون به شدت مقابل چشم است برای مخاطب زنده می‌شود و با بیننده کاری می‌کند که چشم‌بادومی را دوست نداشته باشد. علی‌رغم اینکه بازیگران خوبی همچون ساره بیات و مهدی‌هاشمی و حتی علی باقری در این اثر به ایفای نقش پرداخته اند و انتظار می‌رفت بتوانند در کنار بازیگر نقش اول مکمل‌های خوبی باشند، فیلم نامه ضعیف آنها را نیز به حاشیه برده و نتوانسته آن طور که باید و شاید از ظرفیت‌های آنها استفاده کند.

در کل چشم‌بادومی در حد و اندازه‌های جشنواره فیلم فجر نبود و ظاهراً هیات انتخاب تنها با تکیه بر سابقه امینی در فیلم نامه نویسی فیلم او را به بخش سودای سیمرغ راه داده است!

## چشم‌بادومی

«چشم‌بادومی» به کارگردانی ابراهیم امینی که در سانس آخر برج میلاد برای اهالی رسانه و منتقدان به اکران درآمد از آن دست آثاری بود که بسیاری از اهالی سینما منتظر اکرانش بودند. فیلمی که

## نشست خبری هفدهمین جشنواره تجسمی فجر:

## کلهرنیا: ایده «جایزه‌بگیری» را حذف کردیم!

### حذف کردیم!

مسابقات در ایران به گونه‌ای است که گویا می‌خواهند برای برنده شدن گردن هم را بشکنند. مسئله محدودیت زمان نبوده است بلکه فشاری بوده که بر گردن ما بوده است. ما در انجام کار در کوتاه‌ترین زمان ممکن رکورد زدیم.

او ادامه داد: تا اینجا کار، جشنواره کار و زندگی شخصی من را متلاشی کرده است. من حق دارم که درباره حقوق شخصی خودم گفت و گو کنم اما با این حال با حضور در این رویداد متوجه شدم که فرصتی داریم تا متفاوت فکر کنیم و به عنوان نمایندگان مردم از آرزوهای آنها حرف بزنیم. وقتی از استعدادیابی حرف می‌زنیم؛ یعنی زمینه آن فراهم باشد. دانش‌آموزان و دانشجویان که فارغ‌التحصیل می‌شوند، در جامعه رها می‌شوند ولی جشنواره می‌تواند به کمک آنها برود. حال امیدوارم بتوانیم برای نخستین بار آکادمی جشنواره فجر را تشکیل دهیم. این حرف بار مسئولیت بالایی دارد ولی اگر ممکن شود، آکادمی کل سال بیدار خواهد بود و استعدادهای جوان را رصد خواهد کرد.

دبیر جشنواره در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: جشنواره تجسمی فجر نسبت به سایر بخش‌ها تهی‌دست است. روز اول گفتم به شرطی این مسئولیت را می‌پذیرم که تشکل‌ها و انجمن‌ها کنار جشنواره باشند؛ چون معتقدم آنها هستند که به مسائل جشنواره آگاه هستند. همان ابتدا فهمیدم که آنها رنجشی به جشنواره تجسمی دارد و در بین هنرمندان نگاه حکومتی به آن شکل گرفته است؛ زیرا به این فکر نکردند که جریان اقتصادی با حضور هنرمندان سرشناس در جشنواره فجر می‌تواند شکل بگیرد. در این دوره کوشیدیم برای این امر راه حل بیابیم.

وی افزود: طبیعی است که توان ما محدود است و گروهی پذیرفتند، گروهی به من اعتراض کردند و گروهی نپذیرفتند. اینجا فرصتی است برای گفت‌وگو و همه حق دارند اعتراض و حرف خود را بیان کنند. جشنواره تجسمی فجر مثل یک بچه ناخواسمه است و در بین هنرمندان جا نیفتاده است. ما می‌کوشیم که کاخ هنرهای تجسمی شکل بگیرد. ما از آقای صالحی و دکتر پزشکیان می‌خواهیم که زمینی به نام جشن فجر برای حضور انجمن‌ها و تشکل‌ها پیش‌بینی شود و در اختیار مجموعه قرار بگیرد. طبیعی است که آنجا آن مرکز آکادمی خواهد شد که عرض کردم. ما انقدر پرسش داریم و پاسخ نداده شده که نمی‌توانید تصور کنید. من یک نفر هستم و نماینده کسی نیستم. افراد زیادی هستند که حرفی

شمال از جنوب غربی از آن دست کارهایی است که می‌تواند به صورت همزمان، هم شما را وادار به تحسین کند هم در مقطعی از فیلم شما را نسبت به آینده اثر دلسرد کند. «شمال از جنوب غربی» به کارگردانی حمید زرگزرد در روز چهارم جشنواره و در سانس سوم روی پرده رفت و با توجه به تعدد چهره‌های آشنا و سلبریتی‌ها در این فیلم، کاخ جشنواره تقریباً مملو از تماشاگرانی بود که منتظر بودند نتیجه زحمات یک گروه دوست‌نفره را برای ساخت یک اثر تاریخ معاصر کشور تماشا کنند.

در یک چهارم ابتدایی فیلم، با حجم زیادی از شخصیت‌ها مواجه می‌شویم که به سرعت و بدون مقدمه‌چینی مناسب وارد داستان می‌شوند و از مسائل و درگیری‌هایی صحبت می‌کنند که برای مخاطب نامفهوم و ناشناخته است. این موضوع در ابتدا باعث می‌شود تماشاگر نتواند به درستی با داستان و شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند. هرچند فیلم‌ساز تلاش کرد با ارائه یک متن توضیحی در ابتدای فیلم، این گنگی را کاهش دهد، اما این راه‌حل به تنهایی کافی نیست. تعدد سکانس‌های سریع و پی‌در پی، همراه با حضور بیش از حد شخصیت‌های کلیدی، باعث می‌شود مخاطب نتواند آن ارتباط عمیق و لازم را با داستان برقرار کند و در نتیجه، از درک کامل روایت بازمی‌ماند. این معضل برای یک چهارم ابتدایی اثر است و کم‌کم روایت آن سر و شکل واقعی خود را پیدا می‌کند و مخاطب تازه در ذقایق پانزده تا بیست و نه دقیقه می‌شود که داستان و روایت فیلم از چه قرار است، البته باید این موضوع را در نظر بگیریم که این گنگی فیلم‌نامه تا حد بسیار زیادی با فیلمبرداری و تکنیک‌های تصویربرداری خوب و کار شده، مستتر شده و مخاطب به کسالت نمی‌افتد.

زرگر نژاد در قامت کارگردان در جشنواره چهل و یکم فیلم «شماره ۱۰» را به جشنواره آورده بود و از اضا با اینکه فیلم نامه ضعف‌های مشهودی بود ولی با روایت داستانی نو از زمان جنگ هشت ساله و اسارت رزمندگان ایرانی توانسته بود تا حد زیادی مخاطبان خود را راضی نگه دارد. زرگزرد از آن دست کارگردانیهایی است که سعی می‌کند لبه تیغ راه برود و با ترسیم داستانی نو از یک روایت تکراری، مخاطب را با بُعد تازه‌ای از اتفاقات تکراری آشنا کند به همین دلیل است که هم در فیلم شماره ۱۰ و هم در شمال از جنوب غربی با وجود کم و کاستی در متن فیلم نامه، شاهد فرمی قوی در آثار او هستیم که می‌تواند ذهن بیننده را به خود درگیر کند.

شمال از جنوب غربی سومین اثر در راستای حمله گروهک‌ها در اوایل انقلاب به ایران بود. صیاد و داستان حمله کومله و دموکرات به شهرهای غربی کشور، بازی خونی و قاتله سربداران و حالا شمال از جنوب غربی و داستان خرابکاری‌های منافقین در سال ۱۳۶۱ در شهرهای شمالی کشور، که الحق و الانصاف فیلم زرگزرد چه از لحاظ روایت و محتوا و چه از لحاظ فرمی یک سر و گردن از دو فیلم دیگر بالاتر بود و می‌توانستیم به راحتی این رضایت اثر را در سالن کاخ جشنواره مشاهده کنیم.

تجربه‌ی مستندسازی زرگزرد به وضوح در این فیلم

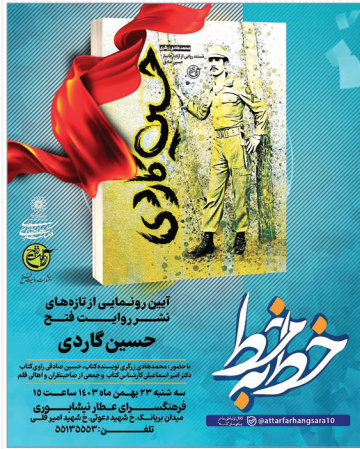
نشست خبری هفدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر سه‌شنبه، ۱۶ بهمن‌ماه، با حضور بهرام کلهرنیا (دبیر کل جشنواره)، امیر راد (دبیر هنری) و جعفر واحدی (دبیر اجرایی) در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

به گزارش ایسنا، بهرام کلهرنیا در ابتدای این نشست در سخنانی مطرح کرد: این جشنواره به لحاظ ساختاری، شیوه عملی و نوع تفکر تفاوت‌های آشکاری را با دوره‌های قبلی دارد که باعث می‌شود، بتوانیم مدعی شویم که کار جدیدی کرده‌ایم. این تحول و تغییر ناشی از نگاه نویی است که در جامعه شکل گرفته ولی نغی‌کننده نگاه جشنواره‌های قبلی نیست. در دوره‌های قبلی دوستان بسیار زحمت کشیدند ولی این در دوره هدف‌ها عوض شده است.

او ادامه داد: با رای و نظر شورای سیاست‌گذاری نخستین ایده این بود که جشنواره را از تمرکز در یک نگاه و مکان خاص تغییر دهیم. با توجه به شرایط اجتماعی و چشم‌انداز کنونی و پیشینه جمعیتی کشور، جوان‌گرایی را مورد توجه قرار دادیم؛ چراکه سرنوشت مملکت در دست جوانان است و آنها باید حضور یابند. همین امر باعث شد تولید محتوای فراخوان را ایجاد و ایده جایزه‌بگیری را حذف کنیم؛ مسئله مبارزه و رقابت برای پیروز شدن معمولاً به سیستم‌های نظامی تعلق داشته و ایده خوبی مثلاً در بین ورزشکاران است. هنرمند نمی‌تواند در کشمکش با دیگری قرار بگیرد، این امر جایی معنا پیدا می‌کند که خرید و فروش جریان دارد، مثلاً در صنایع هنری که قصد فروش دارند، معنی دارد. اما در این رویداد صلح، هم‌گویی و هم‌اندیشی را می‌خواهیم رواج دهیم.

کلهرنیا تصریح کرد: این جشنواره مثلث فرضی مردم، هنرمند و مدیران نظام‌های سیاست‌گذار و برنامه‌ریز اجرایی را تجسم کرده است که باید در کنار هم باشند. ما باید به میان مردم برویم و به مهربانی نیاز داریم. ما باید جشن را به میان مردم ببریم؛ بنابراین افق و چشم‌انداز را این‌گونه دیدیم تا هر جا که می‌توانیم جشن را میان مردم ببریم و معنای اجتماعی مردمی را توسعه دهیم. ما می‌کوشیم جوانی، تجربه‌گرایی و کوشش برای پیاده کردن خلاقیت‌های نو را در جشنواره پیاده کنیم. این ایده سبب می‌شود که مفاهیم هنر فاخر کمتر در جشنواره بروز کند ولی این ضعف جشنواره نیست؛ چون می‌کوشیم که استعدادهای جوان و پرقابلیت را معرفی کنیم و بالا ببریم و موقعیت پشتیبانی و تحقق آرزوهای خود را فراهم کنیم. در این جشنواره استعدادیابی می‌کنیم و پشتیبانی برای بیان ایده و نظرات را خواهیم داشت؛ در حقیقت جشنی پر از رفعت، ایثار و مهربانی را خواهیم داشت.

او در توضیح بیشتر درباره علت رقابتی نبودن این دوره گفت: احساس می‌کنم بیش از ۱۰۰۰ سال کار عملی کردم و آخر ترم همه از من نمره می‌خواستند و گویی که صرف‌نظر نمی‌گرفتن کافی است. من از این روند خسته شدم و فکر کردم که بهتر است سنجه‌های دیگری را باید برای ارزیابی در نظر بگیریم؛ به هر حال



همزمان با گرامی‌داشت ایام پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، امین رونمایی از کتاب «حسین گاردی» نوشته محمدهادی زرگری با حضور محمدهادی ززرگری نویسنده، حسین صادقی راوی کتاب، دکتر امیر اسماعیلی کارشناس کتاب و جمعی از خانواده معظم شهدا و جانبازان روز سه شنبه بیست و سوم بهمن ماه ساعت پانزده در فرهنگسرای عطار نیشابوری برگزار می‌گردد. فرهنگسرای عطار نیشابوری همزمان با گرامی‌داشت ایام پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی؛ امین رونمایی از کتاب «حسین گاردی» نوشته محمدهادی زرگری را با مشارکت انتشارات روایت فتح برگزار می‌کند. در این برنامه که روز سه شنبه بیست و سوم بهمن ماه ساعت پانزده و با حضور محمدهادی زرگری نویسنده، حسین صادقی راوی کتاب، دکتر امیر اسماعیلی کارشناس کتاب و جمعی از خانواده معظم شهدا و جانبازان در فرهنگسرای عطار نیشابوری برگزار میشود، شعرخوانی، تکريم از خانواده شهدا و سخنرانی انجام خواهد شد. شخصیت اصلی این کتاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد کمیته شده و پس از تشکیل سپاه نیز به عضویت این نهاد در می‌آید. اما چندروز پس از شروع رسمی جنگ تحمیلی به اسارت نیروهای دشمن در می‌آید و... حسین صادقی زمان وقوع فاجعه منا به عنوان یکی از خادمان حجاج ایرانی در منطقه حضور داشته و روایت‌گر ماجراهایی است که کمتر شنیده شده‌اند. «حسین گاردی» را این‌روزها با نام ازاده جانباز حسین صادقی می‌شناسند. علاقه مندان برای شرکت در این برنامه می‌توانند به نشانی تهران، میدان پریانک، خیابان شهید دوتوسی، خیابان محمدامیر قلی مراجعه کرده و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۵۵۷۱۶۷۶۶ تماس بگیرند.

## روایتی از عملیات خلبانان جنگنده فانتوم نیروی هوایی

دومین سری از مستند «بتردهای فانتوم ۲» روی آنتن شبکه سه سیما می‌رود. به گزارش روابط عمومی مستند، همزمان با دهه مبارک فجر و در آستانه سالروز نیروی هوایی و بیعت همافران با امام خمینی (ره) مستند «بتردهای فانتوم ۲» به تهیه‌کنندگی مصطفی شرفی و کارگردانی سالار بی‌باک از شبکه سه سیما پخش می‌شود. این مستند شرح نبردها و عملیات خلبانان جنگنده اف ۴- فانتوم نیروی هوایی ارتش در جنگ هشت ساله با عراق است. «بتردهای فانتوم ۲» با نگاه تحلیلی به تاریخ نبردهای هوایی، از اولین مأموریت خلبانان فانتوم در ۳۱ شهریور تا آخرین مأموریت آنان قبل از پذیرش آتش بس را روایت می‌کند. «بتردهای فانتوم ۲» تولید شده در خانه مستند و محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که چهارشنبه ۱۷ بهمن حوالی ساعت ۱۸:۳۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شود.

## «معبد زیرزمینی» روایتی از جنگ در اعماق زمین

کتاب «معبد زیرزمینی» به قلم معصومه میرابوطالبی که اخیراً از تقریظ مقام معظم رهبری بر این کتاب رونمایی شد، رماتی است که قسه شخصیتی را روایت می‌کند که توانایی‌اش در حفر تونل‌ها و سازه‌های زیرزمینی در عملیات فتح‌المبین تأثیر مهمی داشته است. صفحات خواننده نشده و قصه‌های نگارش نشده زینادی از تاریخ دفاع مقدس ما وجود دارند اما بعضاً مرتکب این اشتباه می‌شویم که مدام به تکرار مکررات می‌پردازیم و از کشف اتفاقات تازه و ورود به آن‌ها می‌ترسیم. معصومه میرابوطالبی از نویسندگانی است که این ترس را کنار زده و جسارت به خرج داده تا از اتفاقی بگوید که در عملیات فتح‌المبین تأثیر زیادی داشته است. او در کتاب «معبد زیرزمینی» به نقش آفرینی یکی از مقتی‌های بزرگ شهید «غلامحسین رعیت رکن‌آبادی» در عملیات فتح‌المبین پرداخته است که توانایی او در حفر تونل‌ها و سازه‌های زیرزمینی، سهم مهمی در پیشبرد این عملیات داشت. چندی پیش هم‌زمان با هجدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت، از تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر کتاب «معبد زیرزمینی»، در روستای رکن‌آباد میبد استان یزد، رونمایی شد. این نویسنده در گفت‌وگو با خبرنگار فارس عنوان کرد که شکل‌گیری این کتاب از کنگره شهدای استان قم کلید خورد و پس از آن کار تحقیقات و مصاحبه‌ها با سررتیب دوم احمد آرام و مقتی‌هایی که در این اتفاق حضور داشتند، آغاز شد.